

فرهنگ آب و آبیاری سنتی

نادر کریمیان سردشتی^(۱)

تمدن ایرانی حاصل دانش‌ها و یادگارهای بر جا نهاده نسل‌هایی است که پیش از ما زیسته‌اند. ما نمی‌توانیم در این تمدن شرکت جوییم مگر آن که با اندیشه نسل‌های گذشته آشنا شویم. یگانه وسیله که ما را به این مقصود می‌رساند آشنایی با "زبان تمدن" و به عبارت دیگر "اصطلاحات و واژگان" آن تمدن است.

در هر تمدن دهه‌هارشته علمی، فرهنگی، فنی رشد می‌کند و می‌بالد و ثمر می‌دهد و در آن میان دانش آب و آبیاری که جزو نیازهای اولیه بشری می‌باشد، بدون گمان جایگان بس ارزشمند و والایی را به خود اختصاص می‌دهد که می‌توان گفت هیچگاه از متن و شاهراه تمدن جدا نشده و نبوده است.

بر اساس این قاعده ضرورت تدوین و تحقیق در زمینه "اصطلاحات و واژگان و اعلام" دانش آبیاری سنتی بر هیچ کس پوشیده نیست، از سویی همه می‌دانند کتاب جامعی که شامل همه این اصطلاحات و واژگان با تعریف و مفهوم دقیق کاربردی آن باشد به زبان پارسی فراهم نیامده و مرجع کامل و معتبری برای اطلاع رسانی جویندگان معانی و مفاهیم اصطلاحات و واژگان دانش آبیاری سنتی وجود نداشته است. پیش از انقلاب از سوی کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران، فرهنگ فنی آبیاری و زهکشی به سال ۱۳۵۴ خورشیدی (نشریه شماره ۱۱، انتشارات وزارت نیرو) ترجمه و منتشر شد که نخستین فرهنگ فنی آبیاری به زبان پارسی می‌باشد این مجموعه شامل ۱۶ فصل یا به عبارت دقیق‌تر در ۱۶ موضوع تدوین یافته و بالغ بر ۱۲ هزار واژه و اصطلاح را شامل می‌شد. اصل فرهنگ دو زبانه بوده (انگلیسی - فرانسه) و ظاهراً اولین فرهنگ فنی آبیاری بوده که به سال ۱۹۶۷ م از سوی

۱- عضو گروه کار تاریخ آبیاری و کنترل سیلاب کمیته ملی آبیاری و زهکشی ایران

کمیسیون بین‌المللی آبیاری و زهکشی *ICID* منتشر شد.

فرهنگ مذکور برای رفع نیاز دانشجویان علوم جدید آبیاری و زهکشی و کشاورزی مفید و پاسخگو بود اما نیاز اصلی جامعه فرهنگی ایران را جواب‌گو نبود. بنابراین جا داشت که فرهنگی شایسته و بایسته در زمینه اصطلاحات و واژگان آبیاری سنتی ایران فراهم آورد. به این سبب کمیته ملی آبیاری و زهکشی برای جبران این نقیصه کوشش بر آن نهاد که تألیف و تدوین و انتشار فرهنگی از واژگان و اطلاعات خود قرار دهد. بر بنیاد این تصمیم این کار ارزشمند از طرف گروه تاریخ کمیته ملی آبیاری و زهکشی به عهده اینجانب گذاشته شد که اجمالاً دورنمایی از طرح تدوین این فرهنگ را فرا روی صاحبان دانش و بینش قرار داده، تا باشد در تکمیل و تهذیب آن گام برداشت و از پیشنهادات صاحب‌نظران بهره کافی و وافی برد. منظور از تدوین "فرهنگ اصطلاحات و واژگان و اعلام دانش آبیاری سنتی"، واژگان و اعلامی است که به گونه‌ای با آب و سیستم آبیاری سنتی پیوند خورده و پایه دریافت از این واژگان و اصطلاحات نخست بر چگونگی کاربرد آنها در متون علمی و فنی مربوط به آبیاری همچون استخراج آب‌های پنهانی (انباط المیاه الخفیه)، تألیف ابوبکر کرجی، متون جغرافی، تاریخی، کشاورزی و زراعی، دواوین شعراء جز آن است و بعد یاری گرفتن از دانشنامه‌ها و دایرة المعارف‌ها و فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌های قدیم و جدید. در تنظیم این فرهنگ به نیکات ذیل توجه کافی شده است.

۱- تلفظ واژه، ۲- ریشه‌شناسی واژه، ۳- نکات دستوری، ۴- شرح مفاهیم، ۵- شواهد نظم و نثر، ۶- تاریخچه.

موضوعات اصلی این فرهنگ شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱- اصطلاحات صنفی

مانند: مقنی، آبکار، میراب، آبیار، مقنی‌باشی، کیال، انگارنویس، آب‌بان، آب‌شناس.

میراب [mīr - āb] (اسم مرکب)

میر + آب، میرا و میرآب نیز گویند.

۱- مباشر و ناظر تقسیم آبها. (نظم الاطباء)

۲- باغبان که آب رسانی ذمه او باشد. (غیاث اللغات)

- ۳- آبران. (دهخدا، م، ۲۷۶)
- ۴- آبرانه. (همان)
- ۵- قلّاد. (همان)
- ۶- آب بخش. (همان)
- ۷- آبیار. (همان، ۲۷۷) (معین، ج ۴، ۴۸۹)
- ۸- اویار. (همان)
- ۹- آنکه آب را بخشد. (همان)
- ۱۰- آنکه بر سهمیه هر خانه یا باغ یا کشتزار از آب رود یا نهر یا قنات یا چشمه نظارت دارد و شغل او رساندن سهم آب هر کس به اوست در موعدهای مقرر. (همان)
- ۱۱- کسی که متصدی تقسیم آب مشتری است و آب را به خانه‌ها، باغها، مزارع و غیره رساند.
- (معین، ج ۴، ۴۸۹)

شاهد:

* چند بینی گردش دو لاب را

سربرون کن هم بین میراب را (مولوی)

* می شکافد سینه ام را عاقبت همچون صدف

می دهد گر قطراهی میراب این دریامرا

(کلیم کاشانی از آندراج)

توضیح: در بیان تفصیل شغل میراب دارالسلطنه اصفهان صاحب تذكرة الملوك (فصل پنجم باب دهم) می‌نویسد: «تعیین مادی سالاران و تنقیه انهار و جداول و رسانیدن آب زاینده رود به تمامی محال اصفهان که از آب رودخانه شرب می‌شود، موافق هر محل بمشارالیه متعلق است و اینکه رعایای محل در باب حقابه بر دیگری زیادتی ننمایند، و نگذارد که از اقویا بر ضعفا در باب حقابه زیادتی شود و بعده مشارالیه است هر گونه گفتگویی و دعوائیکه بخصوص حقابه ارباب و رعایای هر محل با یکدیگر داشته باشند، تمیز و تشخیص آن با مشارالیه است، بتصدیق و تجویز وزیر و کلانتر و مستوفی در هر باب باید معمول دارد». (تذكرة الملوك، چاپ دکتر دبیر سیاقی، ص ۵۰)

-۲ اصطلاحات ویژه آبیاری سنتی مانند: کاریز، قنات، لاروبی، آب آسیا.

- واژه کاریز یا کهریز پهلوی بوده که در اوراق مانوی بدان qhryz می‌گفته‌اند به معنی قنات و آبرو (gâriz) (Henning, A list of Middle Persian, Bsos, XI.1, P.84) در زبان کردی و ژابا: (ص ۳۵۵)، در ارک (سلطان آباد) Karîz، Kahrîz (مکی نژاد) گویند. (ر.ک. حاشیه برهان قاطع، ج ۳، ۱۵۶۱)

۱. آب باشد که در زیر زمین از چاه به چاه برند. (لغت فرس اسدی، تصحیح اقبال)

۲. آبی باشد که در زمین به جایی برون برند و به تازی قنات خوانند. (اویهی) (لغت فرس اسدی تصحیح پل هرن)

۳. آب روان باشد زیر زمین که به جایها برند. (صحاح الفرس)

۴. جوی آبی را گویند که در زیر زمین بکنند تا آب از آن روان شود. (برهان قاطع، ج ۳، ۱۵۶۱)

۵. راه آب روان به زیر زمین که به عربی قنات گویند. در اصل کاهریز بود که برای امتحان جریان آب کاه می‌ریخته‌اند تا معلوم شود. (انجمان آرا) (آندراج)

۶. قنات. (دهخدا، ک، ۱۵۶)

۷. خالی. (همان)

۸. خاک. (همان)

۹. قطابه. (همان)

۱۰. سَرَبْ یا سَرِبْ: آن نقیبی است که در زیر زمین کنند و از چاهی به چاهی آب برند تا آنجا که آب بروی زمین جاری گردد. (همان)

۱۱. مجرای آب در زیر زمین. (معین، ج ۳، ۲۸۲۰)

شاهد:

* چون هفت سال سپری شد خدای تعالی باران فرستاد و چشمه‌ها و کاریزها آب گرفت و از زمین نبات برست. (ترجمه طبری بلعمی)

* سزد که دوزخ کاریز آب دیده کنی

که ریز ریز بخواهدت ریختن

(کسانی، احوال و اشعار رودکی ص ۱۲۱۰)

* و او را [شهر خواش را] آبهای روان است و کاریزها. (حدود العالم)

* و آبشان [آب مردم سیرگان] از کاریز است. (حدود العالم)

* و آب شهر طبیعت از کاریز است. (حدود العالم)

* کارزاری کاندر او شمشیر تو جنبنده گشت

سربسركاریز خون گشت آن مصاف کارزار (فرخی)

* کسانیکه شهرها و دیهها و بناها و کاریزها ساختند ... بگذاشتند و برگشته (تاریخ بیهقی، چاپ

ادیب، ص ۳۳۹)

* کاریز مشهد که خشک شده بود باز روان کرده. (تاریخ بیهقی، ص ۵۴۹)

* امیر شهاب الدله از دامغان برداشت و بدھی رسید در یک فرسنگی دامغان که کاریزی بزرگ داشت. (تاریخ بیهقی)

* به کارزار به کاریز خون گشادن خصم

بنفشه سمن آمیغ لاله کارتوباد (سوزنی سمرقندی)

* بختی است مر این طائفه را کز گل ایشان

گر کوزه کنی آب شود خشک به کاریز (سوزنی)

* چشمۀ صلب پدر چون شد به کاریز رحم

زان مبارک چشمۀ زاداین گوهرین دریای من (خاقانی)

* کاریز برده کوشتر در حوضهای ماهی

پیوند کرده طوبی با شاخهای عرعر (خاقانی)

* شهه کاریز یست پر آب حیات

آب کش تا بردمداز تو نبات (مولوی)

* بذا کاریز اصل چیزها

فارغت آرد از آن کاریزها (مولوی)

* کاریز درون جان تو می باید

کزعاریه ها تو را دری نگشاید (از عنایین مشتوی)

* هان بیاور سیخهای تیز را

امتحان کن حفره و کاریز را (مشتوی معنوی)

* و آب آن (ابرقویه) هم آب روان باشد و هم آب کاریز. (فارسنامه ابن بلخی، ص ۱۲۴)

* ابتداء حد کوره اصطخر است و آب آن همه از کاریزها باشد و هواء آن معتدل است. (فارسنامه

(بن بلخی، ص ۱۲۲)

۳ - سازه های آبی و معرفی نمونه های شاخص سازه های آبی مانند: بندها، پل بندها، سدها، آب انبار، قنات، آسیاب.

آسیای آبی یا آسیاب:

آسیایی است که با نیروی آب می‌گردد و آن را «آب آسیا»، «آس آب» می‌نامند و در بعضی از شهرها و روستاهای خراسان، کرمان، اصفهان، تربت حیدریه کلمه عربی «طاحون» و «طاحونه» را نیز به کار می‌برند. رکن اصلی آسیاب یک چرخ چوبی است که با نیروی آب می‌گردد. چرخاب (توربین آبی) که به آن «پَر» هم می‌گویند، به سنگ رویی آسیا وصل است و آن را می‌گرداند. چرخاب محوری استوانه‌ای دارد که در یک سر آن نوکی فلزی و بر سردیگرش میله‌ای آهنی فرو شده و پرده‌هایی به سطح دور آن وصل است. چرخاب را به دو صورت افقی یا عمودی درگذر آب قرار می‌دهند. چرخاب افقی محور قائم دارد که پرده‌ها به طور افقی در شکافهای مایل روی آن فرو رفته و محکم شده است. این چرخاب زیر سنگهای آسیا کار گذاشته می‌شود. طرز قرار گرفتن چرخاب چنین است که نوک فلزی سرپایین محور در سوراخ سنگی که بر کف آب قرار داده شده، فرو می‌رود و میله آهنی سربالای آن از میان سنگ ثابت زیرین آسیا می‌گذارد و در گلوی سنگ گردان آسیا محکم می‌شود. چرخاب قائم که محوری افقی دارد معمولاً در کنار سنگهای آسیا کار گذاشته می‌شود. یک سر محور این چرخاب در سوراخی در دیوار قرار می‌گیرد و سردیگرش بایک چرخ دنده چوبی به محور عمودی زیر سنگهای آسیا متصل می‌شود. از قدیم^۳ گونه آسیای آبگرد در ایران معمول بوده است. این آسیابها را آسیاب تنوره‌ای یا پری، آسیاب ناوی یا ناودانه، و آسیاب چرخی یا شبیی می‌نامیدند. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱: ۳۷۳)

- ۴- ابزار و آلت‌های دانش آبیاری سنتی مانند: بیل، کول، پنگ، ساعت آبی، پیاله، آب‌پاش، آبج، دلو.

[Kaval]

۱. حلقه‌های سفالینی که در مجرای قنات نشاند تامانع از نشست قنات شود. (معین، ج ۳، ۳۱۳۰)
۲. تنبوشه‌های بسیار بزرگ که در قنات بکاربرند جلوگیری واریز را. (دهخدا، ک، ش مسلسل، ژ ۳۷۵، ۱۱۰)
۳. لوله بزرگ و فراخ سفالینه که در قنات بکار برند و آن را در کرمان "نای" و "نای سار" گویند. (همان)
۴. تنبوشه بزرگ برای کاریز. (همان)
۵. گنگ. (همان)
۶. موری. (همان)

کول نوعی تنبوشه بیضی شکل است که گشادی دهانه و قد (ارتفاع) آن به اندازه‌ای است که یک نفر آدم می‌تواند در حالی که خودش را خم بکند از داخل آن عبور کند. در گذشته کولها از جنس سفال بود، یعنی از گل رس که قالب ریزی و بعد در کوره کول پزی، پخته می‌شد. اما امروزه کولها معمولاً از سیمان و ماسه درست می‌شود و احتیاجی هم به کوره ندارد. این نوع کول‌ها را بیشتر در همان محل کار (روی پشته قنات) درست می‌کنند و همانجا هم قنات مصرف می‌کنند.

کول، مصالحی است که بعد از آجر اختراع شده - قناتهای خیلی قدیمی همگی آجر بست شده است. اما در قناتهای جدیدتر (شاید کمتر از یک قرن) برای حفاظت از قنات و پیشرفت کار، کول بکار می‌رود که قبل سفالی بوده ولی حالاً اغلب از جنس ماسه و سیمان است.

کول بست کردن قنات خیلی ارزانتر از آجر بست کردن آن تمام می‌شود. روی این اصل، امروز دیگر نه در احداث قنات جدید و نه برای مرمت آن، معمولاً از آجر استفاده نمی‌شود. اندازه کول‌ها در همه جایکسان نیست. قالب کول را معمولاً به اندازه دهانه کوره (مجرا) قنات انتخاب می‌کنند. کولها را در نقاطی از مجرای زیرزمین قنات که احتمال ریزش دارد، طوری پهلوی هم می‌چینند که سطح سقف و دیوارها و کف کوره را می‌پوشاند و مقنی هم می‌تواند برای انجام کارها از داخل آنها، در حالت خمیده عبور کند و یا در حالت نشسته کار کند (لایروبی). برای آنکه کولها در جای خود، خوب سفت و محکم باشد، در فضاهای خالی بین کول و سطح دیواره مجراء، قطعات کولها شکسته و یا خرد شده (خرده کول) را جای می‌دهد. به طور کلی آجر بست یا کول بست باعث استحکام قناتهای در موقع به اصطلاح "آب بند شدن" می‌شود و نمی‌گذارد پشته‌های قنات به اصطلاح زود "بخوابد" (فرو بنشیند)، بارها دیده و یا شنیده شده است که بعضی از چاههای به اصطلاح "کورشده" یعنی فرو ریخته و آب در آنها دیده نمی‌شود ولی چون قنات کول بست بوده، جریان آب، بند نیامده و آب از لابلای و یا پشت کولها خارج می‌شود، یعنی قنات آب دارد، بنابراین کول بست در جلوگیری از "آب بند شدن" کامل قنات و در نتیجه از بند آمدن آب، آن و به اصطلاح "خوابیدن" کامل قنات بسیار مؤثر است. (منابع و مسائل آب در ایران، ج ۱، ۳۱۶-۳۱۸)

۵- اصطلاحات و واژگان مربوط به آب و آب‌شناسی مانند: میاه، راه آب.

میاه [mīyāh]

۱. جمع ماء (آب). (ترجمان القرآن جرجانی: ۸۵) (منتهی الارب)

۲. آبها. جمع ماء که در اصل ماء بود به معنی آب. (غیاث اللغات)

شاهد:

* دوزخ آشامان دریا در، زشیهه رخش او بی خبرگردند و نشناسند نیران از میاه
(دیوان عثمان مختاری، چاپ همایی، ص ۴۹۰)

۶- معرفی نسخه‌های خطی

مرربوط به دانش آب و آبیاری مانند: انباط المیاه الخفیه، انهار الشام، حیل الاصبهانیین فی رفع الماء، النصرة فی احادیث الماء و الرياض و الخضراء.

حیل الاصبهانیین فی رفع الماء: [کتاب]

رساله‌ای کوتاه که در زمینه فنون اصفهانیان در «بالا آوردن و بالا بردن آب» سخن می‌گوید. کارادی نو این رساله را به کتاب منسوب به فیلون در خصوص «بالا بردن آب» (فی رفع الماء) ملحق کرده و به چاپ رسانده است. وی شیوه اصفهانیان را در بالا بردن آب به تفصیل به استناد این رساله نوشته است. نسخه خطی این رساله در مجموعه مارس ۶۶۹ دانشگاه آکسفورد (انگلستان) نگهداری می‌شود. (فهرس مخطوطات، د. محمد عیس صالحیه، عبدالله فلیح؛ ص ۱۵۹، مؤسسه الكويت، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م).

۷- معرفی آثار و کتاب‌های چاپی

مانند: منابع و مسائل آب در ایران، اثر دکتر پرویز کردوانی، استناد بنه‌ها تألیف آقای صفوی نژاد.

منابع و مسائل آب در ایران: [کتاب]

كتابي در زمینه "آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره‌برداری از آنها" نوشته دکتر پرویز کردوانی (استاد دانشگاه تهران) که مسئله آب در ایران را به تفصیل شرح داده و کتاب شامل سه بخش و چهارده فصل به ترتیب ذیل می‌باشد:

بخش اول: کلیات

- نگاهی کلی به مسائل آب و راه حل‌های آن در ایران (۳-۱۵).

فصل اول - کلیات راجع به آب (۱۷-۴۰): فصل دوم - اهمیت آب، منابع و میزان آن در ایران (۴۱-۵۲):

بخش دوم: آبهای سطحی (ایران)

فصل سوم - مسائل آبهای سطحی و طغیان و هدر رفت آنها (۵۳-۷۲): فصل چهارم -

راههای مهار کردن و بهره‌برداری بیشتر از آبهای سطحی و مسائل آن (۱۷۸ - ۷۲)؛ فصل پنجم - استفاده از آبهای سطحی بسته یا راکد (دریاچه، دریا و غیره) و مسائل آن (۱۹۵ - ۱۷۹)؛

بخش سوم: آبهای زیرزمینی

فصل ششم - کلیات راجع به آبهای زیرزمینی و مسائل آن (۱۷۹ - ۲۰۷)؛ فصل هفتم - مسئله شناخت آبهای زیرزمینی (۲۰۹ - ۲۱۶)؛ فصل هشتم - وضعیت شناخت آبهای زیرزمینی و میزان آبهای تحت الارضی کشور و مسائل بهره‌برداری از آنها (۲۱۷ - ۲۳۰)؛ فصل نهم - چشمی و مسائل آن (۲۳۲ - ۲۴۸)؛ فصل دهم - چاه و مسائل آن (۲۴۹ - ۳۰۲)؛ فصل یازدهم - قنات و مسائل آن (۳۰۳ - ۴۴۳)؛ فصل دوازدهم - منابع آب کارستی و مسائل آن (۴۴۳ - ۴۶۱)؛ فصل سیزدهم - استفاده مستقیم از آب زیرزمینی (بدون استخراج آن از زمین) و مسائل آن (۴۶۲ - ۴۷۱)؛

فصل چهاردهم - پیوستها:

۱. منابع مورد استفاده (۴۷۲ - ۴۸۰)؛ ۲. تصویرها (۴۸۱ - ۴۸۸)

کتاب منابع و مسائل آب در ایران که عناوین آن معرفی شد تنها جلد اول آن را در بر می‌گیرد. این کتاب به سال ۱۲۶۳ خورشیدی توسط مؤسسه انتشارات آگاه (تهران) برای نخستین بار به چاپ رسیده است. (منبع: منابع و مسائل آب در ایران؛ یادداشت مؤلف)

-۸ اعلام اشخاص

اعم از مهندسان، مؤلفان، آب‌شناسان - مانند: برانوش، اسکیلاکس (سازنده قنات در دوره داریوش)، آرتاخه، کرجی و آب‌شناسان و مهندسان دوره تمدن اسلامی.

اسکیلاکس [eskīlāks]

- این نام به شکل اسکیلاس (skylas, scylax) و اسکیلاک نیز ثبت و ضبط شده است.

۱- دریانورد و مکتشف و مهندس سازنده قنات در زمان حکومت داریوش هخامنشی (۴۸۶-۵۲۱ ق.م). (تاریخ مهندسی در ایران: ۴۱۲)

۲- نام فرمانده یونانی سفائن (کشتیها) داریوش بزرگ در دریای عمان (سال ۵۱۲ ق.م) (ایران باستان، ج ۱، ۶۲۹) وی ناخدای کشتی نیز بود. (همان، ص ۶۴۰)

۳- اسکیلاکس از جغرافی دانان یونان قدیم نیز بود، وی سیاحت‌نامه‌ای نیز راجع به سواحل بحر ابيض و بحر اسود دارد، که برخی گفته‌اند در حقیقت نویسنده نویسنده‌گان متعدد از اعصار مختلف است. (قاموس الاعلام ترکی) (دهخدا، الف، ۲۴۷۵)

- ۹ - اصطلاحات و واژگان حقوقی - مانند: باردار، انسبا، پاگاو.

پاگاو [pāgāov]

۱- شش سهم یا «بنه» که همه به عنوان یک واحد زراعتی اداره شود [سیستان]. (لمتون: ۷۵۸)

۱۰ - اصطلاحات مربوط به سازمان اداری قدیم و جدید آبیاری سنتی همچون بنگاه آبیاری.

بنگاه آبیاری [bongāh - ābyārī]

بنگاهی مستقل که به موجب قانون اردیبهشت ماه ۱۳۲۲ ش که در مرداد ۱۳۲۴ ش به موقع اجرا درآمد، مؤسسه‌ای بنام «بنگاه مستقل آبیاری» تأسیس شد و امور مربوط به آبیاری در آن متمرکز گردید. به موجب قانون مذکور اجازه تأسیس شرکتهای آبیاری بدان بنگاه منتقل شد. این بنگاه توسط هیأت مدیره‌ای مرکب از سه تن اداره می‌شود. رئیس هیأت مدیره که سمت مدیریت عامل را نیز دارد، با موافقت وزارتین دارایی و کشاورزی تعیین می‌گردد. برخی از اموری که توسط بنگاه انجام شده عبارتست از: آبیاری شبانکاره، ساختمان سد شبانکاره، سدهای آبریز صیقلان رودبار و حشمت رود، تأسیس ایستگاههای هواشناسی و اندازه‌گیری آب رودهای کشور، تنظیم تقسیمات آبهای رودخانه‌های ایران. (معین، ج ۵، ص ۵-۶).

به هر روی در تدوین فرهنگ تلاش شده مرجعی فراهم شود که اکثر اصطلاحات و واژگان و اعلام این دانش را در بر گیرد و برای هر واژه و اصطلاح تعریفی دقیق و مستند ارائه گردد. بی‌گمان با تدوین این فرهنگ بسیاری از مشکلات نسل دانشجو و پژوهشگر امروزی مرتفع شده و نکات سودمندی درباره سیر تاریخ آبیاری و فنون آب به دست می‌دهد. امید است چنین اقدامی که آغاز شده بتوان در آینده به تکمیل و تتمیم آن پرداخت.